

در جنگ ۱۲ روزه، ملت ایران بی تردید هم آمریکا و هم رژیم صهیونیستی را شکست داد. آنها آمدند و شرارت کردند اما کتک خوردند و دست خالی برگشتند و به هیچ یک از اهداف خود نرسیدند که این، شکستی واقعی برای آنها بود. آنها به نحوی ناکام شدند که حتی زاویه داران با نظام نیز در کنار نظام قرار گرفتند و اتحادی عمومی در کشور پدید آمد. ۱۴۰۴/۰۹/۰۶

جهان پس‌آمریکایی از دریچه اجلاس گروه ۷

▼ گزارش روز

نشست امسال گروه ۷ در فرانسه بیش از آنکه یادآور روزهای اقتدار و هماهنگی قدرت‌های غربی باشد، تصویری از اضطراب و بی‌اعتمادی در درون اردوگاه غرب را به نمایش گذاشت. نهادی که زمانی نماد اجماع سیاسی و اقتصادی جهان غرب محسوب می‌شد، امروز بیش از هر زمان دیگری با بحران هویت مواجه است. اگر در دهه‌های گذشته رهبران گروه ۷ گرد هم می‌آمدند تا درباره نظم جهانی تصمیم بگیرند، اکنون به نظر می‌رسد بخش مهمی از انرژی آنها صرف مدیریت رفتار غیرقابل پیش‌بینی رئیس‌جمهور آمریکا می‌شود.

در واقع مسئله اصلی اجلاس اوپان نه جنگ اوکراین است، نه بحران انرژی و نه حتی تحولات غرب آسیا؛ بلکه خود آمریکا و نحوه مواجهه با سیاست‌های دونالد ترامپ است. بسیاری از رسانه‌های غربی نیز به صراحت به این موضوع اشاره کرده‌اند. آنها معتقدند جهان دیگر با آمریکا به عنوان رهبر بلامنازع اردوگاه غرب تعامل نمی‌کند، بلکه با کشوری روبه‌رو است که تصمیمات آن تابع محاسبات شخصی، ملاحظاتی رسانه‌ای و رویکرد معامله‌گرانه رئیس‌جمهورش است.

همین مسئله باعث شده سقف انتظارات از اجلاس گروه ۷ به شکل بی‌سابقه‌ای کاهش یابد. در گذشته، خروجی چنین نشست‌هایی معمولاً شامل بیانیه‌های مهم، ابتکارات اقتصادی یا توافقات امنیتی بود؛ اما امروز موفقیت اجلاس در این تعریف می‌شود که اختلافات علنی نشود و ترامپ بدون ایجاد بحران جدید، نشست را ترک کند. به عبارت دیگر، گروه ۷ از یک نهاد تصمیم‌ساز به نهادی برای «مدیریت آسیب» تبدیل شده است.

تحولات منطقه غرب آسیا نیز این واقعیت را آشکارتر کرده است. جنگ علیه ایران و پیامدهای آن بر بازار انرژی، امنیت دریانوردی و اقتصاد جهانی، اروپا را در موقعیتی دشوار قرار داده است. اروپایی‌ها از یک سو نمی‌خواهند وارد رویارویی مستقیم با سیاست‌های واشنگتن شوند و از سوی دیگر نگرانند هزینه‌های تصمیمات آمریکا را خودشان پرداخت کنند. به همین دلیل بخش مهمی از دیپلماسی اروپا در ماه‌های اخیر نه بر اقناع ترامپ، بلکه بر مهار رفتارهای او متمرکز شده است.

[بهرام بختیاری]

جنگ آب رژیم صهیونی علیه فلسطینی‌ها

▼ خبر ویژه

رژیم صهیونی در ادامه سیاست‌های فشار بر فلسطینیان در کرانه باختری، این بار موضوع منابع آبی را به محور جدیدی از تقابل با ساکنان این منطقه تبدیل کرده است. کمیسیون امور خارجی و امنیتی کنست در نشستی ویژه، آنچه را «آسیب‌های گسترده به شبکه آب» در کرانه باختری خواند، بررسی کرد و در این نشست، مقامات صهیونیست فلسطینیان را به حفر چاه‌های غیرقانونی و برداشت بیش از سهمیه آب متهم کردند. بر اساس ادعاهای مطرح‌شده، حدود ۴۴۰ حلقه چاه «غیرمجاز» در کرانه باختری شناسایی شده و میزان برداشت آب از این منابع به ده‌ها میلیون متر مکعب در سال می‌رسد. «بوعز بیسموت» رئیس کمیسیون امور خارجی و امنیتی کنست مدعی شد: «این پدیده یکی از خطرناک‌ترین تهدیدها علیه امنیت داخلی اسرائیل و منابع راهبردی آن است.» وی از شناسایی ده‌ها چاه و قطع بیش از ۴۰۰ انشعاب آب در ماه‌های اخیر خبر داد و اعلام کرد کابینه از اعمال جرمه‌های مالی علیه تشکیلات خودگردان فلسطین حمایت می‌کند. هم‌زمان «رویو نیو» از مسئولان اداره مدنی رژیم صهیونی خواستار گسترش عملیات اجرایی و امنیتی به مناطق A و B کرانه باختری شد؛ مناطقی که تاکنون خارج از حوزه مداخله مستقیم تل‌آویو قرار داشته‌اند. این تحرکات در حالی صورت می‌گیرد که فلسطینیان و نهادهای حقوق بشری سال‌هاست رژیم صهیونی را به مصادره منابع آبی، محدودسازی دسترسی فلسطینیان به آب و استفاده از این ابزار برای گسترش شهرک‌سازی و کوچ اجباری ساکنان بومی متهم می‌کنند؛ سیاستی که به باور ناظران، بخشی از پروژه تثبیت اشغالگری در کرانه باختری به شمار می‌رود.

▼ حرف روز از «تسلیم ایران» تا «توافق با ایران»

جنگ ۴۰ روزه آمریکا و رژیم صهیونی علیه کشورمان با اهدافی آغاز شد که در هفته‌های نخست، بارها از زبان سیاستمداران، رسانه‌ها و اندیشکده‌های غربی تکرار می‌شد. از «تغییر رفتار ایران» و «تضعیف بازدارندگی منطقه‌ای» گرفته تا ایده‌هایی بلندپروازانه‌تر مانند تغییر ساختار سیاسی. فضای رسانه‌ای غرب به گونه‌ای شکل گرفته بود که گویی تنها مسئله مورد اختلاف، زمان تحقق این اهداف است، نه امکان تحقق آنها. اما پایان جنگ، تصویری متفاوت از واقعیت‌های میدان ارائه می‌دهد.

نگاهی به اظهارات اخیر دونالد ترامپ به خوبی نشان می‌دهد که فاصله میان اهداف اولیه و نتایج نهایی تا چه اندازه قابل توجه است. رئیس‌جمهور آمریکا در حالی امروز از توافق به عنوان یک موفقیت یاد می‌کند که بخش مهمی از سخنان او در واقع بیانگر پذیرش محدودیت‌هایی است که در آغاز جنگ کمتر کسی در واشنگتن حاضر به اعتراف به آنها بود.

یکی از مهم‌ترین نمونه‌ها، موضوع تغییر نظام سیاسی ایران است. در طول جنگ، رسانه‌های نزدیک به جریان‌های تندرو در آمریکا و رژیم صهیونی بارها از احتمال فروپاشی ساختار سیاسی ایران سخن گفتند. حتی برخی مقامات سابق و فعلی غربی نیز این سناریو را دور از دسترس نمی‌دانستند. با این حال، اکنون ترامپ تأکید می‌کند که هیچ‌گاه هدفش تغییر حکومت در ایران نبوده است. فارغ از درستی یا نادرستی این ادعا، تغییر آشکار لحن کاخ سفید نشان می‌دهد پروژه‌های که زمانی در مرکز روایت‌های جنگی قرار داشت، امروز عملاً از دستور کار خارج شده است. موضوع تنگه هرمز نیز نشانه دیگری از همین واقعیت است. در ماه‌های گذشته آمریکا تلاش می‌کرد نشان دهد که قادر است بدون در نظر گرفتن نقش کشورمان، امنیت کشتیرانی و تجارت انرژی را تضمین کند. اما اکنون خود ترامپ اذعان می‌کند که بدون دستیابی به توافق، امکان بازگشایی کامل مسیرهای دریایی وجود نداشت. این اعتراف در عمل تأیید جایگاهی است که جمهوری اسلامی ایران در معادلات انرژی و امنیت منطقه دارد؛ جایگاهی که از بین رفتنی نیست و حتی در جریان جنگ بار دیگر برجسته شد. در حوزه اقتصادی نیز نشانه‌های مشابهی دیده می‌شود. آزادسازی بخشی از دلاری‌های مسدودشده و بحث درباره کاهش برخی محدودیت‌های اقتصادی، با موضوعی که واشنگتن در ابتدای بحران مطرح می‌کرد فاصله قابل توجهی دارد. آمریکا سال‌ها از این ابزارها برای اعمال فشار استفاده کرده بود، اما اکنون بخشی از همان اهرم‌ها به موضوع مذاکره و توافق تبدیل شده‌اند. شاید مهم‌ترین نتیجه جنگ این باشد که برخلاف بسیاری از پیش‌بینی‌های اولیه، نه معادلات منطقه به شکلی که واشنگتن می‌خواست تغییر کرد و نه ایران به پذیرش شروط حداکثری تن داد. به همین دلیل است که امروز، بیش از آنکه بحث بر سر متن توافق باشد، توجه ناظران به مسیر طی شده جلب شده است؛ مسیری که از ادبیات تهدید، فشار و تغییر نظام آغاز شد و به مذاکره، توافق و پذیرش بخشی از واقعیت‌های موجود در منطقه رسید. همین تغییر مسیر، مهم‌ترین نشانه ناکامی اهداف اولیه جنگ طلبان به شمار می‌رود.

امضای مجازی تفاهم ایران و آمریکا

اسماعیل بقائی، سخنگوی وزارت امور خارجه، از امضای دیجیتال یادداشت تفاهم اسلام‌آباد توسط مسعود پزشکیان و دونالد ترامپ خبر داد و اعلام کرد متن این سند به صورت رسمی توسط رؤسای جمهور ایران و آمریکا نهایی شده است. وی با اشاره به تغییر برنامه امضای حضوری در سوئیس گفت: «به این نتیجه رسیدیم که امضای مستقیم رؤسای جمهور دو کشور، هزینه نقض توافق را افزایش می‌دهد.» بقائی با بیان اینکه تمامی مطالبات و دستورالعمل‌های مورد نظر جمهوری اسلامی ایران در متن ۱۴ بندی تفاهم گنجانده شده، افزود: «برای ما مهم بود که همه موضوعات مرتبط با منافع و امنیت ملی کشور در متن لحاظ شود.» سخنگوی وزارت خارجه درباره بندهای مرتبط با لبنان نیز اظهار داشت: «در بند نخست سه بار از لبنان نام برده شده و بر پایان جنگ، احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی این کشور تأکید شده است.» وی در عین حال تصریح کرد که امضای تفاهم به معنای اعتماد به طرف مقابل نیست و مرحله اجرای تعهدات از تدوین سند دشوارتر خواهد بود. بقائی با اشاره به آغاز مذاکرات ۶۰ روزه درباره رفع تحریم‌ها و موضوع هسته‌ای گفت: «هر روزی که بتوانیم تحریم‌های ظالمانه را لغو کنیم، به نفع ملت ایران خواهد بود.» وی همچنین از آغاز رفع محاصره دریایی علیه ایران و بازگشت تدریجی تردد کشتی‌ها در تنگه هرمز خبر داد. سخنگوی وزارت امور خارجه در پاسخ به اظهارات مقامات آمریکایی درباره برنامه موشکی ایران تأکید کرد: «موشک‌های ما اصلاً دوست ندارند کسی درباره آن‌ها حرف بزند؛ موشک‌های ما صرفاً برای شلیک شدن هستند، نه برای مذاکره.»

اروپا در تنگنای انرژی

پاتریک بویانه، مدیرعامل شرکت توتال، با هشدار درباره وضعیت بازار انرژی اروپا اعلام کرد که کشورهای اروپایی در آستانه زمستان پیش رو با چالش جدی تأمین گاز مواجه هستند و بازگشت کامل صادرات گاز طبیعی مایع قطر، شرط اصلی کاهش فشار بر بازار انرژی این قاره به شمار می‌رود. بویانه در نشست کمیسیون امور اقتصادی پارلمان فرانسه تأکید کرد که هرچند بازگشایی تنگه هرمز پس از توافق ایران و آمریکا موجب کاهش تنش در بازارهای جهانی شده، اما خسارت‌های وارد شده به زیرساخت‌های انرژی منطقه همچنان آثار خود را بر عرضه جهانی انرژی حفظ خواهد کرد. وی تصریح کرد که افزایش تولید گاز مایع آمریکا نیز قادر نیست در کوتاه‌مدت جای خالی محموله‌های قطری را به‌ویژه در فصل اوج مصرف زمستانی پر کند. این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که به گفته مقامات قطری، حملات اخیر به مجتمع گازی راس لفان موجب از کار افتادن بخشی از تأسیسات این کشور و کاهش حدود ۱۷ درصدی ظرفیت صادرات گاز مایع قطر شده است؛ موضوعی که می‌تواند سالانه حدود ۱۲٫۸ میلیون تن از صادرات این کشور را کاهش دهد. مدیرعامل توتال همچنین با اشاره به آسیب‌دیدگی پالایشگاه ساتورپ عربستان سعودی اعلام کرد روند بازسازی این مجموعه تا سال ۲۰۲۷ ادامه خواهد داشت.

ایستادگی هوشمندانه ایران معادلات منطقه را تغییر داد

عمرو موسی، دبیرکل پیشین اتحادیه عرب، با استقبال از تفاهم میان ایران و آمریکا، این تحول را نقطه آغاز تغییرات مهم در معادلات منطقه‌ای دانست و تأکید کرد که «ایستادگی هوشمندانه ایران» در برابر جنگی که از سوی آمریکا و رژیم صهیونیستی تحمیل شد، نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری شرایط جدید خاورمیانه داشته است. به گزارش روزنامه رای‌الیوم، موسی در پیامی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «دستیابی به تفاهمات آمریکایی-ایرانی تحولی مهم است که مستلزم تأیید و حمایت است تا نقطه آغازی برای تفاهمات مهم دیگری باشد که باید به مسئله فلسطین بپردازد.» وی با اشاره به مقاومت ملت فلسطین افزود: «ایستادگی هوشمندانه ایران تنها با ایستادگی بلندمدت فلسطینیان در برابر تجاوز و اشغالگری اسرائیل قابل مقایسه است، اگرچه ابزارها به دلیل تفاوت شرایط متفاوت است.» دبیرکل پیشین اتحادیه عرب همچنین با بیان اینکه «تغییر در منطقه آغاز شده است»، ابراز امیدواری کرد که در آینده نزدیک سایر پرونده‌های پیچیده منطقه نیز در مسیر حل‌وفصل قرار گیرند. او تأکید کرد: «موضوع فلسطین از طریق عادی‌سازی حل نمی‌شود» او راهکار اصلی را تحقق حق تعیین سرنوشت ملت فلسطین در چارچوب اصول حقوق بین‌الملل و قطعنامه‌های سازمان ملل دانست. موسی همچنین خواستار برگزاری انتخابات پارلمانی و ریاست‌جمهوری فلسطین در آینده نزدیک شد و تصریح کرد که چنین اقدامی می‌تواند روندی سیاسی و سازنده را برای احیای جایگاه مسئله فلسطین در معادلات منطقه‌ای رقم بزند.

شهباز شریف، نخست‌وزیر پاکستان با استقبال از امضای الکترونیکی «یادداشت تفاهم اسلام‌آباد» میان ایران و آمریکا، این رویداد را گامی مهم در مسیر حل‌وفصل دیپلماتیک اختلافات دانست و اعلام کرد که تفاهم‌نامه پس از تأیید طرفین و میانجی‌گری اسلام‌آباد، بلافاصله اجرایی خواهد شد. شهباز شریف همچنین از برگزاری مراسمی در سوئیس در روز ۱۹ ژوئن برای گرامیداشت این توافق و آغاز گفت‌وگوهای فنی خبر داد. وی از نقش قطر و دیگر بازیگران منطقه‌ای، تقدیر کرد و تلاش‌های هیئت‌های مذاکره‌کننده دو کشور را در دستیابی به این تفاهم مؤثر دانست.

ده‌ها نظامی ارتش رژیم صهیونیستی روز گذشته با پشتیبانی ۹ نفربر نظامی وارد استان قنیطره در جنوب سوریه شدند و به سمت روستای «الاصح» حرکت کردند. منابع محلی همچنین از ورود نظامیان صهیونیست به روستای «صیدا الجولان» و بازجویی از ساکنان این منطقه خبر دادند. این تحرکات در حالی ادامه دارد که به گفته منابع محلی، پس از سقوط دولت بشار اسد، حضور و گشت‌زنی نیروهای صهیونیست در مناطق همجوار جولان اشغالی به امری روزمره تبدیل شده و برخی روستاهای جنوب سوریه عملاً تحت کنترل این رژیم قرار گرفته‌اند.

لوتیس داسیلوا، رئیس‌جمهور برزیل در حاشیه اجلاس گروه هفت، با انتقاد از رفتار و مواضع دونالد ترامپ تأکید کرد که هیچ درخواستی برای دیدار دوجانبه با رئیس‌جمهور آمریکا ارائه نکرده است. وی با اشاره به اختلافات اخیر میان دو کشور گفت اقداماتی که ترامپ در قبال برزیل انجام داده «بسیار زننده» بوده و نشان می‌دهد او همچنان مانند یک امپراتور رفتار می‌کند. لولا همچنین اظهار داشت: «ترامپ زیاد حرف می‌زند و کم گوش می‌دهد» او افزود آمریکا می‌تواند از تجربه برزیل در برگزاری انتخابات آرام و کم‌تنش درس بگیرد.

روزنامه گاردین با اشاره به مفاد منتسب به یادداشت تفاهم ایران و آمریکا اعلام کرد که این سند خواسته‌های تهران درباره نقش‌آفرینی در مدیریت و ارائه خدمات دریایی در تنگه هرمز را تأمین کرده است. این روزنامه نوشت: «ایران در چارچوب این تفاهم، جایگاه مؤثرتری در تعیین سازوکارهای آینده تنگه هرمز به دست آورده و حتی بخشی از مطالبات خود درباره دریافت هزینه خدمات دریایی از کشتی‌های عبوری را محقق کرده است. بر اساس این روایت، ایران و عمان با مشارکت دیگر کشورهای ساحلی خلیج فارس درباره چارچوب اداره آینده و خدمات دریایی تنگه هرمز، مطابق حقوق بین‌الملل و حقوق حاکمیتی کشورهای ساحلی، رایزنی خواهند کرد.»